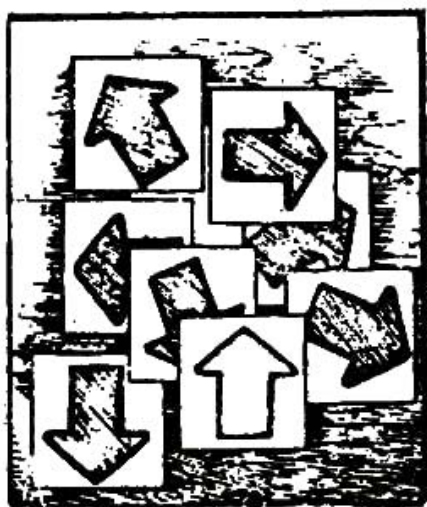


سید جواد مصطفوی



روش تربیت در کتاب و سنت



قسمت دوم

در قسمت اول مقاله در رابطه با معنی تربیت، لزوم، اهمیت و طرق متعدد آن بحث شد و روشهایی که از طریق مستقیم کتاب و سنت منحرف شده اند تبیین گردید، سپس آسانی روش کتاب و سنت با استشهاد به آیات قرآن مورد استدلال قرار گرفت. اینک به ذکر نمونه‌هایی از تربیت اسلامی در موضوعات مختلف زیر می‌پردازیم:

۱- خداشناسی

روشن و بدیهی است که مرحله اول تربیت، توجه به نیروی عقل و فکر و اعتقاد انسان است و مهمترین مسئله در این قسمت، خداشناسی و اعتقاد به خداوند متعال، خالق زمین و آسمان و جماد و نبات و انسان است. که زیربنای تمام اخلاق و کردار و اقوال اوست، مرتبی انسان باید در مرحله نخست انسان را به آفریدگار پاک و مقدسش معتقد سازد تا پایه تربیت او بر شالوده‌ای محکم و خلل ناپذیر استوار گردد. کتاب و سنت را می‌بینیم که در این باره انسان را به آیات محکم خدا در آفاق و انفس متوجه می‌کند و در دهها آیه قرآن و صدها حدیث و روایت مانند توحید مفضل و

مناظرات و احتجاجات پیغمبر و ائمه اطهار(ع)، چنان وجود خالق سبحان را برای زن و مرد، باسواد و بی سواد، روشن و مدلل می سازد که کوچکترین شکی حتی برای بزرگترین شکاکان فلاسفه (اگر عناد نورزند) باقی نمی گذارد.

این ادله بقدری روشن و واضح است که دختر نه ساله هم می فهمد، کشاورز و گاوچران مدرسه نرفته هم می فهمد، و درعین حال چنان قوی و متین و مستحکم است که اساتید منطق و برهان و فلسفه هم کوچکترین راه خدشه و اشکالی را در آن پیدا نمی کنند.

۲- توحید

درباره یکتائی خداوند متعال، از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) این جمله نقل شده است.

لَوْ كَانَ لِشَرِيكٍ لَأَنَّكَ رُسُلُهُ وَلَزَأْتِ آثَارُ مُلْكِهِ وَسُلْطَانِيهِ وَلَعَرَفْتَ أَعْمَالَهُ وَصِفَاتِهِ.^۱

اگر پروردگارت شریکی می داشت، فرستادگان آن شریک نزد تومی آمدند و آثار شوکت و قدرت او را مشاهده می کردی و اعمال و صفات او را می شناختی.

این دلیل را هم انسانی که در پائین ترین درجه علیم و سواد باشد، می فهمد و می پذیرد و هم نوابغ علم و عقل بشری از متانت و استحکامش لذت می برند.

۳- معاد

معاد و زنده شدن پس از مرگ، از حقایق جهان هستی است و خدای عادل، نظام جهان را اینگونه طراحی و نقشه ریزی کرده است که جهان دیگری به نام آخرت و قیامت و عقبی در پی این جهان باشد تا دستگاه خلقت و آفرینش اوعیث نباشد و بندگانی که در دنیا مظلوم بوده اند حقشان پایمال نشود و دادشان از ظالم گرفته شود و هم نیکوکار و بدکار و امین و خائن و تبیل و ساعی یکسان نباشند. مرتبی دانا و دلسوز انسان باید این حقیقت را به شاگردانش بفهماند و در خواب و غفلت نگذارد تا روزی که در قیامت در برابر پروردگارش ایستاد و نامه عملش را بدستش دادند، متحیر و سرگردان نشود و نگوید مرا در برابر عمل انجام شده قرار دادید، من از این اوضاع

.....

۱- نهج البلاغه صبحی صالح، نامه ۳۱.

هیچگونه اطلاعی نداشتیم این چه بساط است و... .

کتاب و سنت برای تفهیم این موضوع به انسان، صدها جمله و سخن دارد. سخنانی ساده، روان، بی‌پیرایه و همه کس فهم. قرآن در پیامخ عربی که استخوان مرده‌ای را نزد پیغمبر(ص) آورد و آن را نرم کرد و گفت آیا این دوباره زنده می‌شود؟ فرمود:

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُعْطِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ— فُلٌّ يُغِييْهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ يَكُلُ شَيْءًا عَلِيمٌ.^۲

برای ما مثلی زده و خلقت خود را فراموش کرد، گفت: چه کسی این استخوانهای پوسیده را زنده کند، بگو همان کسی که نخستین بار ایجادش کرد و او هرگونه آفرینشی را می‌داند.

و علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید:

عَجِبْتُ لِمَنْ أَنْكَرَ النَّشْأَةَ الْأُخْرَى وَهُوَ يَرَى النَّشْأَةَ الْأُولَى.^۳

در شگفتم از کسی که زندگی آخرت را انکار کند در حالی که او زندگی نخستین را دیده است. و خلاصه صدها آیه قرآن و احادیث و روایات این است که کسی که نخستین بار تورا زنده کرده است بار دیگر هم این توانائی را دارد. بنظر نویسنده، قبول این دلیل برای مردم آسانتر و قویتر و بی‌اشکالتر و سهل الوصول‌تر از دلیل حرکت جوهری و مانند آن می‌باشد.

۴- نوع دوستی

نوع دوستی و توجه به مستمند و محتاج و خیرخواهی و ابراز عاطفه و محبت نسبت به بندگان خدا از صفات نیک انسانی است، مرتبی هوشمند باید به پرورش این روحیه در وجود دست پروردگان خویش عنایت کند و نگذارد آنان خشن و سنگدل و بی‌عاطفه بار آیند.

کتاب و سنت را می‌بینیم که در این مقام از روشی بسیار ساده و مؤثر استفاده کرده و همه مسلمین را برادر یکدیگر خوانده است:
إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ.^۴ (مؤمنان برادر یکدیگرند).

.....

۲- سوره یس / ۷۹ - ۷۸.

۳- نهج البلاغه صبحی صالح / ۴۹۱ کلمه قصار ۱۲۶

۴- حجرات / ۱۰.

و در جای دیگر فرموده است:

لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ^۵ (خودتان را نکشید).

یعنی وقتی مسلمانی را می کشید بدانید که در حقیقت خود را کشته اید و باز

می فرماید:

وَأَنْفُسُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ^۶

در راه خدا اتفاق کنید و خود را با دست خود به مهلکه میندازید.

یعنی اگر به فقرا کمک نکنید خودتان را به مهلکه انداخته اید. و در دعای ماه

رمضان می خوانیم که:

اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ، اللَّهُمَّ اشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ، اللَّهُمَّ اكْسُ كُلَّ غَرِيْبٍ...

خدایا تمام فقرا را غنی کن، خدایا هر گرسنه ای را سیر گردان و همه برهنگان را پوشان و قرض تمام قرضداران را ادا کن و هر درمانده ای را گشایش ده و هر غریبی را بیوطنش بازگردان و هر اسیری را خلاص کن و هر فساد را از امور مسلمین اصلاح فرما.

بدون شک تکرار این دعاها روح خیرخواهی و انسان دوستی را در انسان زنده

می کند. قرآن کریم بما می آموزد که حتی در نمازهایی که می خوانیم سایر مؤمنین را

فراموش نکنیم و خواسته های خود را به صیغه جمع بخوانیم:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ وَآلِئِكَ نَفِئُكَ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ، اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ.

خدایا فقط تو را می پرستیم و از تو کمک می خواهیم، ما را به راه راست هدایت کن.

۵- مناعت طبع و آزادمنشی

بدون شک یکی از عالیترین، مهمترین، شریفترین و با ارزشترین صفات

انسانی، کرامت ذات، علو نفس، بلندی همت و مناعت طبع است و ضد آن، ذنات و

پستی و لئامت و فرومایگی است. انسان منیع الطبع در زمان قدرت و ثروت، طغیان و

بدمستی نمی کند و در زمان فقر و نیاز، تملق نمی گوید، دست نمی بوسد، رکوع و

تعظیم نمی کند ولی انسان لئیم و فرومایه در زمان قدرت و داشتن پست و مقام به

زیردستان ستم می کند، خویشان و دوستانش را فراموش می کند، به مستضعفین

چنگ و دندان نشان می دهد و در بهره وری از شکم و دامن اقرات می کند و خلاصه

.....

۶ - بقره / ۱۹۵.

۵ - نساء / ۲۹.

فراموش می کند که در این دنیا برای چه کاری آمده است و راه تکامل او چیست و دیگران هم مانند او بنده خدا هستند و حق حیات و بهره‌وری از مواهب الهی را دارند و بالأخره چنین کسی انسانیت خود را فراموش می کند و از خود بیگانه می شود.

پیدا است که مرتبی دانا و عاقل باید به این موضوع توجه خاصی کند و عنایت ویژه‌ای مبذول دارد، کتاب و سنت را می بینیم که برای ایجاد روح مناعت و پرورش و زنده نگهداشتن آن در نفوس مسلمین به عنصر دعا و رفتن در خانه خدا متوسل شده‌اند تا مردم را یکباره با تمام خزائن مادی و معنوی جهان هستی آشنا کنند و منشأ و سرچشمه همه خیرات و برکات را به او بنمایانند. و قرآن کریم فرموده است:

إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ.^۷

هرگاه بندگاتم مرا از تو پیرسند (بگو) من نزدیکم، دعای دعا کننده را هنگامی که مرا بخواند اجابت می کنم.

یعنی تنها در خانه خالق غنی و مهربان و از همه به خود نزدیکتر بیائید و از زید و عمرو، چشم امید برکنید.

قرآن کریم برای ما دعا‌های بسیاری از پیغمبران مانند زکریا و ابراهیم و موسی و شعیب و لوط و صالح و خاتم انبیاء، را نقل می کند و گویا می خواهد بفرماید: آنها هر چه از ما خواستند به ایشان عطا کردیم، شما هم یاد بگیرید و تنها با آفریدگار غنی و مهربانی که شما را به سوی خود می خواند آشنا بشوید، عزت نفس شما در این است که برای رفع حوائج خود در خانه هرکس و ناکسی را نزنید، قرآن کریم نکوهش می کند کسانی را که چون گرفتار شوند خدا را بخوانند و خدا اجابتشان کند، ولی دیگر بار خدا را فراموش کنند و در خانه او نروند: *وَأِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِّنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُوا إِلَيْهِ مِّن قَبْلُ.^۸*

چون انسان را گرفتاری رسد، پروردگارش را با تضرع بخواند، سپس چون خدا به او نعمتی عنایت کند، فراموش نماید دعائی را که پیش از این می کرد.

و باز با کمال صراحت و روشنی به نحو استفهام توییخی به او می گوید:

أَلَمْ يَجِبْ الْمُضْطَرُّ إِذَا دَعَاهُ وَتَكْثِيفُ الشُّوْءِ.^۹

.....

۹ - سورة نمل / ۶۲.

۸ - سورة زمر / ۸.

۷ - سورة بقره / ۱۸۶.

آیا چه کسی (غیر از خدا) بیچاره را اجابت می کند و گرفتاری را از او برطرف می نماید، هنگامی که او را بخواند.

و باز با توبیخ و تهدید می فرماید:

قُلِ ادْعُوا الدِّينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضَّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا. ۱۰

بگو آن کسانی را که سواى خدا یاور می بنداشتید بخوانید که نتوانند گرفتاری شما را بردارند و نه برگردانند.

دعاهائی که از ائمه اطهار (صلوات الله عليهم اجمعین) رسیده است و همه آنها، روح مناعت و کرامت را در وجود انسان زنده می کند و وجود او را که مانند قطره ای ناچیز است به اقیانوس بیکران و با عظمت خالق جهان متصل می سازد و همه عالم را در نظرش خوار و بی مقدار می کند بسیار است. امام حسین (ع) در دعای عرفه می فرماید:

مَاذَا وَجَدَ مَنْ قَدَّمَكَ وَقَالَ الَّذِي قَدَّمَ مَنْ وَجَدَكَ.

خدایا کسی که تو را از دست داد چه پیدا کرد و آن که تو را یافت چه چیز از دست داد.

یعنی آنکه با تو ارتباط پیدا کرد و تو را خواند، همه چیز دارد: سعادت دارد، عزت دارد، عظمت دارد، دنیا دارد، آخرت دارد و آنکه ارتباطش را با تو قطع کرد و به خیال خود، نیازش را از راه دیگری مرتفع ساخت او هیچ ندارد نه عزت و شرف دارد نه کرامت انسانی و نه ثروت و دارائی، او حیوان است و بلکه از حیوان پست تر و بلکه او هیچ است هیچ، و خودش هم خبر ندارد.

علی (علیه السلام) در ابتدای دعای کمیل صفاتی را برای خداوند ذکر می کند و به ما دستور خواندن و تکرارش را می دهد که اگر تفکر و تأمل کنیم خواهیم دانست که غنی مطلق، واهب به آیندگان و من سبق، فوق تمام قدرتها و عظمتها و بخشنده به تمام حیوانات و انسانها، خداوند متعال است و بس، آن دعا اینگونه شروع می شود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ وَخَضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ وَذَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ وَبِجَبْرُوتِكَ الَّتِي غَلَبْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ وَبِقُدْرَتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ...

خداوند! تو را می خوانم به آن رحمتت که همه چیز را فرا گرفته و به آن نیرویت که همه چیز را مقهور و خاضع نموده و همه چیز در برابرش خوار گشته و به آن جبروتت که بر همه چیز غالب گشتی

.....

۱۰ - سورة اسراء / ۵۶.

و به آن عزت که چیزی توانائی ایستادن در برابر آن را ندارد و به آن عظمت که همه چیز را پر کرده و به آن سلطه و تسخیرت که بر همه چیز فائق آمده و به ذات مقدّست که بعد از فانی شدن همه چیز باقی است.

و در دعای جوشن کبیر که در شبهای قدر خوانده می شود، هزار اسم و صفت برای خداوند متعال ذکر می گردد و بنده ضعیف، آفریدگار خویش را به آن اسماء می خواند و از او تمنای خلاصی از عذاب و گرفتاری می نماید که تدبّر و تعقل در آن اسماء، روح انسان را از عالم خاک به اوج افلاک می برد و بر سر هر لذت و عیش و سرور مادی خاک و خاشاک می باشد و همه آنها را زیر پا له می کند و دعای جوشن کبیر صد جمله دارد و در هر جمله ده اسم از اسماء الهی ذکر می شود: یکی از آن جملات این است:

يَا مَنْ خَلَقَنِي وَسَوَّانِي يَا مَنْ رَزَقَنِي وَرَبَّانِي يَا مَنْ أَطْعَمَنِي وَسَقَانِي يَا مَنْ قَرَّبَنِي وَأَذَانِي يَا مَنْ عَصَمَنِي وَكَفَانِي يَا مَنْ حَفَظَنِي وَكَلَّانِي يَا مَنْ أَعَزَّنِي وَأَعْنَانِي يَا مَنْ وَفَّقَنِي وَهَدَانِي يَا مَنْ أَنْسَنِي وَأَوَّانِي يَا مَنْ أَمَاتَنِي وَأَحْيَانِي.

ای آنکه مرا آفرید و برابر ساخت ای آنکه روزیم داد و پرورش نمود، ای آنکه طعام و شراب داد، ای آنکه پیشم خواند تا نزدیک خود برد، ای آنکه حفظ و نگهداریم کرد، ای آنکه عزت و ثروتم بخشید، ای آنکه توفیقم داد و هدایت کرد، ای آنکه همدم شد و در پناهم گرفت، ای آنکه میرانید و زنده ام نمود.

امام زین العابدین (ع) در دعای معروف به ابوحزمه شمالی به خدای خویش عرض می کند و به شاگردان و دست پروردگانش چنین تعلیم می دهد:

مِنْ أَيْنَ لِي الْخَيْرُ يَا رَبِّ وَلَا يُوجَدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ وَمَنْ أَيْنَ لِي الْتَجَاؤُ إِلَّا تُسْتَطَاعُ إِلَّا بِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَحْسَنَ اسْتَفْنِي عَنْ عَثْوِكَ وَرَحْمَتِكَ وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَجْتَرُكَ عَلَيْكَ وَلَمْ يَرْضِكْ خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِكَ.... بِكَ عَزْفَتِكَ وَأَنْتَ دَلَّلْتَنِي عَلَيْكَ وَدَعَوْتَنِي إِلَيْكَ.

خدایا خیر برای من جز از جانب تو نرسد و یافت نشود و نجاتم جز بوسیله تو میسر نگردد نه نیکوکار از یاری و رحمت تو بی نیاز است و نه کسی که بدی کرده و بر تو جرأت نموده و تورا خشنود نساخته است می تواند از تحت قدرتت خارج شود.... بوسیله خودت تورا شناختم و تو مرا به سوی خود راهنمایی کردی و نزد خود خواندی....

و باز می فرماید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا أَرْجُو غَيْرَهُ وَلَوْ رَحِمْتُ غَيْرَهُ لَآخُلَفَ رِجَائِي.

حمد خدائی را که امید بجز او ندارم و اگر به غیر او امید بندم امیدم را برنیاورد.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَكَّلَنِي إِلَيْهِ فَأَكْرَمَنِي وَلَمْ يَكِلْنِي إِلَى الْتَّاسِ فَيُهَيِّئُونِي.

حمد خدائی را که مرا بخودش مربوط ساخت و گرامیم داشت و مرا به مردم وانگذاشت تا اهانتم کنند.

إِذَا رَأَيْتُ قَوْلَايَ دُثُوبِي فَرِعْتُ وَإِذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ طَمِعْتُ.

مولایم چون به گناهانم می نگرم می هراسم و چون کرم تو را می نگرم به طمع می افتم.

امام سجاد (علیه السلام) در این باره سخن را به پایان رسانیده و آخرین و بالا ترین کلامی را که می شود گفت فرموده و کمال انقطاع خود را به پروردگارش ارائه داده است:

إِلَهِي لَوْ قَرَنَتْنِي بِالْأَضْفَادِ وَمَقَمَتْنِي سَبَبِكِ مِنْ بَيْنِ الْأَشْهَادِ وَذَلَّلْتَ عَلَيَّ فَضَائِحِي عُيُونِ الْعِبَادِ وَأَقْرَبْتَ بِي إِلَى الْكِبَارِ وَحَلَّتْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْأَبْرَارِ مَا قَطَعْتُ رِجَائِي مِنْكَ.

خدایا اگر در قیامت مرا با زنجیرها ببندی و عطایت را در حضور بینندگان از من دریغ داری و دیدگان بندگانت را به رسوائیهام رهنما باشی و دستور دهی به آتش افکنند و میان من و نیکان جدائی اندازی، بازهم امیدم را از تو قطع نمی کنم.

نمی خواهیم بگوئیم تنها خاصیت دعا، ایجاد روح مناعت و عزت نفس است و یا مناعت و عزت نفس را کتاب و سنت تنها بوسیله دعا تعلیم داده اند و مسلمین را از این راه تربیت کرده اند، بلکه هم دعا نتایج و اثرات مهم دیگری دارد و هم آیات و روایاتی که مناعت و عزت را با زبانی دیگر تعلیم می دهد بسیار است (برای توضیح بیشتر به ۴ مقاله تحت عنوان «آقا منشی» در کتاب «انسانیت از دیدگاه اسلام» مراجعه شود.

۶- پول پرستی

بطور قطع و یقین، انسانی که حریص و طمّاع است، پول پرست و دنیا دوست و افزون طلب است، تربیت نشده و خام و غیر مهذب می باشد کتاب و سنت باید او را تربیت کند و این صفت زشت را از روح او بزداید و پاک کند، کتاب و سنت در این باره:

اولاً: حقیقت دنیا و مال دنیا را برای انسان مجسم و معتل می کند.

ثانیاً: گرفتاری و عذابی را که زراندوزان، حتی در دنیا برای خود می‌خرند و توجه ندارند به آنها گوشزد می‌کند.

ثالثاً: محدود بودن ثروت دنیا و وجود مستمندان و محتاجان را ارائه می‌دهد.

رابعاً: عذابهایی را که خداوند متعال در آخرت برای زراندوزان مهیا کرده است بیان می‌کند.

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَنِّيهَا أَمْرًا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَمْ تَغْن بِالْأَنْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ. ۱۱

حکایت زندگی دنیا مانند آبی است که آن را از آسمان فرستیم تا بوسیله آن، گیاهان زمین از خوراک انسان و چارپایان با آن مخلوط شود، سپس چون زمین رونق خویش گیرد و زینت یابد و مردمش گمان برند که گیاه را در چنگ خویش دارند ناگهان فرمان ما به شب یا به روز فرارسد و آن گیاه را از ریشه برآریم که گویی روز پیش اصلاً نبوده، ما آیات خود را برای گروهی که تفکر می‌کنند اینگونه شرح می‌دهیم.

این مثل کسی است که از راه حلال و حرام اموالی را بدست آورده و زندگی مرفه و پررونق برای خود ساخته و روزی بر تومن غرور خود بزرگ بینی نشسته و بادی به غیغب می‌اندازد و می‌گوید به آرزوی خود رسیدم و دیگر شکستی مرا تهدید نمی‌کند، ناگهان فردای آن روز سیل یا زلزله یا طوفان یا حادثه دیگری فرا می‌رسد و تمام ثروت او را از ریشه می‌کند یا از خانه خود او بانگی برمی‌آید که «خواجه مرد» و در احادیث، مال دنیا، گاهی به مار خوش خط و خال تشبیه شده است و گاهی به آب شور دریا که هرچه تشنه از آن می‌آشامد تشنه‌تر می‌شود و گاهی دنیاپرست به کرم پيله ای تشبیه شده است که آنقدر اطراف خود را می‌تند تا در میان آن خفه شود و بمیرد.

و در مرحله ثانی علی (علیه السلام) می‌فرماید:

يَا بَنِي آدَمَ مَا كَسَبَتْ فَوْقَ قَوْلِكَ قَانَتْ فِيهِ حَازِنٌ لِيَغْتَبِكَ. ۱۲

ای پسر آدم آنچه بیش از روزیت بدست آوری تو در آن مال خزانه دار دیگران هستی.

و در جای دیگر می‌فرماید:

.....

يَتَأَفَّسُونَ فِي دُنْيَا دُنْيَا وَيَتَكَايَبُونَ عَلَيَّ حَيْفَةَ مُرِيحَةٍ!^{۱۳}

اهل دنيا در بدست آوردن دنياي پست برهم پيشي مي گيرند و همچون سگان به جان مرداري بدبو مي افتند.

علي (عليه السلام) اهل دنيا را در زماني كه براي ربيودن سهم بيشتري از مال و منال به جان يكديگر افتاده و گريبان هم را مي گيرند، به سگاني تشبيه مي كند كه بر گرد لاشه مرداري جمع شده و مي خورند و به يكديگر پارس مي كنند و چنگ و دندان نشان مي دهند.

و در مرحله سوم: امام صادق (عليه السلام) مي فرمايد:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي مَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَسْعُهُمْ وَلَوْ عَلِمَ أَنَّ ذَلِكَ لَا يَسْعُهُمْ زَادَهُمْ، إِنَّهُمْ لَمْ يُؤْتُوا مِنْ قِبَلِ فَرِيضَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَلَكِنْ أُوتُوا مِنْ مَنَعٍ مَنْ مَنَعَهُمْ حَقَّهُمْ لَا مِمَّا قَرَضَ اللَّهُ لَهُمْ وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ آدَوْا حُقُوقَهُمْ لَكَانُوا غَائِبِينَ بِخَيْرٍ!^{۱۴}

خداوند عزوجل حق فقرا را در اموال اغنيا به مقداري قرار داد كه آنان را كافي باشد و اگر مي دانست آن مقدار كفايتشان نمي كند آن را زياد مي كرد، فقراء از ناحيه واجب خداوند عزوجل خسارت ندیده اند بلکه خسارتشان از ناحيه ندادن اغنيا حق فقيران راست اگر مردم حق فقرا را پردازند، همگي به خير و خوشي زندگي خواهند كرد.

و علي (عليه السلام) فرموده است:

إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مَنَعَ بِهِ غَنِيٌّ وَاللَّهُ تَعَالَى سَائِلُهُمْ عَنْ ذَلِكَ.^{۱۵}

خداوند سبحان قوت فقيران را در اموال اغنيا قرار داد پس هيچ فقيري گرسنه نماند مگر به خاطر بهره و لذتي كه غني مي برد و خدای تعالی در اين باره از ايشان سؤال خواهد كرد.^{۱۶} و نسبت به مرحله چهارم، قرآن مي فرمايد:

الَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَتَّبِعُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ— يَوْمَ يُخْمَى

۱۳ - نهج البلاغه، خطبه / ۱۵۱.

۱۴ - وسائل الشيعه، ج ۳/۶.

۱۵ - نهج البلاغه/حکمت ۳۲۸.

۱۶ - جمله معروف «مَا رَأَيْتُ نِعْمَةً مَوْفُورَةً إِلَّا فِي جَنِّهَا حَقٌّ مُضَيِّعٌ» در نهج البلاغه نيست ولي اين جمله به همان مضمون است.

عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتَكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وظهورهم هذا ما كثرتم لانتفيسكم قدوفوا ما
كنتم تكفرون.^{۱۷}

کسانی که طلا و نقره را گنج می‌کنند و آن را در راه خدا خرج نمی‌کنند، به عذابی دردناک
نویدشان ده در روزی که آن را در آتش جهنم سرخ کنند و پشانیها و پهلوها و پشتهایشان را بدان
داغ کنند. همین است که برای خویش گنج کرده‌اید اکنون وبال آنچه را می‌اندوختید بچشید.
این سخن از جانب خالق انسان و جهان و دنیا و عقبی و داور و دادستان اعمال انسان و مقصدی
کیفر و پاداش انسان است.^{۱۸}

۷- ایثارگران

کتاب و سنت در کمال آسانی و سهولت، زنان و مردانی را آماده شهادت
کرده و می‌کند، این تربیت یافتگان مکتب وحی، زمانی که اسلام را در خطر بینند یا
فقط به خاطر اینکه امام و پیشوایشان دستور داده است، تمام هستی خود را در طبق
اخلاص گذاشته و نثار دینشان می‌کنند و یکباره از جان و مال و شخصیت و مقام
می‌گذرند و ایشان همگی ایثارگران و فداکارانی هستند که اگر براستی شخصی تمام
ثروت دنیا را به آنها بدهد تا در ماه رمضان بدون عذر شربت آبی بنوشند، نمی‌نوشند،
اینان به راستی باور کرده‌اند که مال و ثروت بیش از مقدار کفاف، وبال است و دنیا
زندگانه و بهترین سعادت، معامله با خالق متعال است. اینان براستی باور کرده‌اند که
شهداء در راه خدا، در حقیقت زنده‌اند و نزد پروردگار خود روزی می‌خورند اینان
چنان عروج روحی و علوهمتی پیدا کرده‌اند که مشغول شدگان به زر و زیور دنیا را
سگان پارس کنند کنار مردار می‌دانند و چنان روح و جانانشان در قفس سینه تنگی
می‌کند که می‌گویند زندگی حقیقی در مرگ باعزت است و مرگ واقعی در زندگی
با ذلت و مصاحبت با دنیاپرستان دون همت.

کتاب و سنت چنین عروج و علوهمتی را که باید گفت میلیونها سال نوری
برتر از کره زمین و افکار اسیران این آب و خاک است بدون هیچ مؤونه و صعوبتی به
این عزیزان اعطا می‌کند.

.....

۱۷- سوره توبه آیه ۳۵-۳۴.

۱۸- در کتاب «ابعاد گسترده اسلام» راجع به این چهار موضوع اخبار بسیاری نقل شده است ص ۲۴۰.